

پسا‌اصلاح‌طلبی

از این‌رو، «جریان در راه» بیش از هر چیز یک کتش نقادانه و خلاقانه است؛ کتشی که با خلق و آفرینش امر نو و بدیع توأم با تماس با ناشناخته‌هایی عجین است که در آینده به بار می‌نشیند؛ به بیان دیگر، اصلاح‌طلبان نخواهند توانست آن شوند که جامعه و تاریخ اکنون و آینده‌شان طلب می‌کند، مگر اینکه قبل از آنکه آفتاب نعمت‌شان زیر میغ رود، رگ‌های‌شان هوشیار شود و قبل از آنکه چنان در جنبهٔ انسداد و انجماد گوش و جان گرفتار آیند که نتوانند آب خوش از شوره‌آب، سحر و معجزه، زهر را از تریاق بشناسند، چاره‌اندیشی کنند.

۳- رویکرد امروز اصلاح‌طلبان اما، روایت واحد و یگانه‌ای نیست و ساحت فراخ جریان اصلاح‌طلبی، رقص تفاوت‌ها و تمایزها و تکثرها (بازی‌های زبانی و گفتمانی گونه‌گون) برپاست. چون نیک بنگریم بسیاری از اصلاح‌طلبان امروز را در «هیچ‌کجا» و «هرکجا»ی نظری و عملی می‌بینیم. اینان، اصلاح‌طلبی را دقیقاً در همان موقف و موضعی تعریف می‌کنند که قدرت و منفعت‌شان اقتضا می‌کند. این عده، برای رسیدن به قدرت آرام و قرار ندارند. کک قدرت افتاده توی تن و جانشان و آرامش و قرار را از آنان بروده است. اینان تابعان قدرت‌اند، بنابراین هرکجا قدرت هست آنان نیز هستند. به بیان دیگر، این عده در خود و در ساحت گفتمانی خود نیز متوقف نیستند و به تعبیر مولانا، سر پنهان هستند اندر عد صد غلاف. ظاهرشان اصلاح‌طلب و باطن‌شان برخلاف. امروز همچنین، در میان برخی از منادان اصلاح‌طلبی شاهد تمایل و گرایش فزاینده به‌سوی نوعی انسداد و تصلب و انجماد گفتمانی هستیم. برخی گونه‌های پارادوکسیکال اصلاح‌طلب تلاش دارند از «گفتمان»، یک «ایدئولوژی» -آن‌هم از نوع ارتدکسی- بسازند. اینان تلاش دارند به‌طور گفتمان اصلاح‌طلبی هاله‌ای قدسی بکشند، آن را اخته کنند، و آن را پایانی بدارند بر توالی و تکثر گفتمان‌ها. از نظر این عده، اصلاح‌طلبی همان است که آنان می‌گویند یا نمی‌گویند، می‌فهمند یا نمی‌فهمند؛ نه یک کلمه کم، نه یک کلمه زیاد. ازاین‌رو، بر قاموس اینان، هر خوانش دیگر و هر تلاش برای نوکردن گفتمان اصلاح‌طلبی، نوعی رویزونیسم (تجدیدنظرطلبی) و بدعت تعریف می‌شود. بعضی دیگر شتابان در مسیر محصور و محدودکردن نظر و عمل اصلاح‌طلبی به کسب و حفظ ماکزوفیزیک قدرت و ماکروپلیتیک قرار گرفته‌اند و حیات و ممات هستی‌شناختی، معرفت‌شناختی و روش‌شناختی اصلاح‌طلبی را سخت به آموژه «در قدرت»-بودن گره زده‌اند و برون از قدرت را مترادف با برون از حیات سیاسی خود فرض کرده‌اند، بنابراین برای نیل به قدرت پرهیزی از بهره‌برداری ابزاری از جریان اصلاح‌طلبی و هزینه‌کردن تمام هزینه تاریخی و اجتماعی و تمدن‌آین ندارند. کسان دیگر، آثانی هستند که به ظاهر مذهب اصلاح‌طلبی اما در باطن صغیر و دام آن‌اند. کسانی که بر سر هر کوی و برزن اصلاح‌طلبی فریاد برآورده‌اند که بهر اصلاح‌طلبی جان سپارم! سر دهم، صد هزاران منتشر بر خود نهم.

حیف می‌آمد ما را کان جریان پاک، در میان جاهلان گردد هلاک. شکر خدا را و خلق را که ما، گشته‌ایم آن کیش حق را رهنما. اینان اصلاح‌طلبان اصلاح‌نشدند و دروغینی هستند که به صف اصلاح‌طلبان درآمده‌اند تا با کژنظری و کژعملی خود چشم‌های مردمان را بشورند تا صورت و سبرت زیبا و فربای اصلاح‌طلبی را باژگونه ببیند. بعضی دیگر، اساساً نمی‌دانند کجا باید بایستند و چرا باید بایستند. اینان در فضای گنگ و گیج شبه‌گفتمانی خود سرگردان‌ند و نمی‌دانند اصلاح‌طلبی چیست و قلمرو و حرمیش کدام است و توقف‌گاه‌هایی کجایند. این گروه از اصلاح‌طلبان تنها نامی را یدک می‌کشند و از این نام صورت‌زی ساخته‌اند برای پنهان داشتن صورت و سیرت نااصلاح‌طلب خود.

۴- در این شرایط، جریان رسمی و اسمی اصلاح‌طلبی را سن‌کین‌پاتر و سزوریت‌ر از آن می‌دانم که کارگزار تغییر تاریخ اکنون خود و جامعه شود و جریان در راه را موضوع اراده معطوف به آگاهی و آفرینش خود قرار دهد. به بیان دیگر، آنچه را در دستور فوق از اصلاح‌طلبان طلب کردم، بیشتر یک «آرزو» می‌دانم. بنابراین معتقدم آن جریان که در راه است، جریانی «پسااصلاح‌طلبی» است. از «پس» مرادم هم، «گستنت» است، هم «تدام» و «اسرار» و هم «در تقابل با»، «متفاوت از» و متفاوت با»، «واکنش به»، «فراسو»، «مابعد»، «گست» و «پیوست» است. مشخص‌تر بگویم جریان در راه اگرچه کماکان از کوره و درون‌مایه و سبدهای غریزادیکال (مدنی یا اصلاحی) برخوردار خواهد بود، اما در فصل و فاصله از اصلاح‌طلبی «واقعاً موجود» تعریف نمی‌شود. اگرچه ممکن است در «بر قدرت» تردیف نمی‌کند اما تلاش می‌کند سبویه «بر قدرتی» خود را برجسته‌تر کند. اگرچه کماکان به کنشگری در عرصه سیاست ادامه خواهد داد اما در محبت و صورت یک کنشگر فرهنگی، اجتماعی، هنری و زیباشناختی نیز نمایشی پرنگ دارد. اگرچه از نوعی باهم‌مودگی و سامان جمعی برخوردار است، اما این سامان نه در قالب حزب بلکه عمدتاً در قالب یک پارتاز- هم مشترک بودن و هم سهیم بودن. یا با هم- بودن، در-هم- نبودن- و یک موب‌نیاس- باهم‌ودگی براساس قسمی وظیفه یا دین - سامان می‌یابد. اگرچه از زبان و خویشان پوپولیستی (در معنای قدیم آن) برخوردار نیست اما گرایش کسترده‌تر و عمیق‌تر با نوده‌های مردم دارد. اگرچه نگاه و بصیرتی جهانی دارد اما از نوعی تمایلات ناسیونالیستی نیز برخوردار است، اگرچه مفاهیمی همچون دموکراسی و آزادی و پلورالیسم دقیق گفتمانی آن هستند اما دقیق انضمامی و ناظر بر زندگی روزمره و عدالت اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و قومیتی و جنسیتی از برجستگی بیشتری برخوردارند.

شرق؛ افزایش تعرفه صادرات مواد معدنی با انتقادهای جدی مواجه است.
محمد رضا نجفی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در گفت‌وگو با «شرق» به شیوه اجرای این تصمیم نقد جدی دارد. او معتقد است قبل از اعلام یک سیاست، ابتدا باید تبعات آن بررسی شود و در تصمیم‌سازی‌ها باید از رای و نظر فعالان و ذی‌نفعان این بخش استفاده شود.
آن‌طور که او می‌گوید: با اعمال سیاست افزایش تعرفه صادرات، معادن کوچک بیش از معادن بزرگ آسیب می‌بینند و امکان خروج آنها از گردونه تولید وجود دارد.
این معادن اگرچه ۲۰ درصد تولیدات معدنی کشور را در اختیار دارند اما ۷۰ درصد صادرات کشور مربوط به این معادن است.
مشروح گفت‌وگو با محمد رضا نجفی عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در ادامه می‌آید:

✎ به نظر شما اعمال این تعرفه ۲۵ درصدی برای صادرات مواد معدنی اقدام درستی است؟
وقتی دولت می‌خواهد تصمیمی بگیرد باید به گونه‌ای عمل کند که اقتصاد، صنعت، تولید و معدن ما از حالت پیش‌بینی پذیری خارج نشود. اگر می‌خواهید قواعدی برای صنعت، معدن، تولید، تجارت و بازرگانی وضع کنند با مراعات مقدمات و تمهیداتی باشد که همه کنشگران حقوقی بتوانند بر اساس پیش‌بینی و برآورد، برنامه‌ریزی کنند و دچار بحران‌های دفعی نشوند. نوع تصمیم و برخورد در این قضیه مقداری دفعتی بوده و بسیاری از کنشگران این حوزه و صنعت را دچار چالش کرده است. مسئله تعرفه صادرات مشارکت‌دادن ذی‌نفعان مهم صنعت و تولید کشور در تصمیم‌سازی‌هاست. ما نمی‌توانیم دفعی بنشینیم در اتاق‌های دربسته و در مورد کثیری از ذی‌نفعان یک صنعت و حوزه فعالیت، خودمان تصمیم بگیریم. حتماً باید ذی‌نفعان را مشارکت دهیم. تا جایی که من متوجه شدم، بسیاری از ذی‌نفعان صنعت کلمند هستند که ما در فرایند تصمیم‌گیری کمترین مشورت و مشارکتی نداشتیم. مسئله بعدی در این تصمیم معادن کوچک هستند. معادن بزرگ که عمدتاً دولتی هستند، پس از مواجهه با اتفاقات و حوادث دفعی اگر دچار نوسان و افت‌وخیز هم شوند، به نوعی چون ذی‌نفعان آنها دولتی و شبه‌دولتی هستند، ولو با زبان به کارشان کمپاین ادامه می‌دهند اما بخش خصوصی و معادن کوچک که عمدتاً متأثر از این قواعد و قوانین می‌شوند، ممکن است آسیب‌های جدی ببینند و از گردونه کار و تولید خارج شوند. آن هم در شرایط تحریمی کشور، اگر بناسد معادن کوچک کار و فعالیت کنند، طبیعتاً در این روزگار و شرایط سخت توجه و مراقبت بیشتری از این گروه باید انجام شود.

✎ معاون وزیر صنعت اعلام کرده است که دو ماه تعرفه ۲۵ درصدی اعمال می‌شود. بعد نتایج کار را بررسی می‌کنند که اگر نیاز به تجدید نظر داشته باشد، یک سری تغییرات را اعمال کنند. به نظر می‌آید با

آزمون و خطا برای بخش صنعت تصمیم می‌گیرند. این مسئله به بخش معدن آسیب نمی‌زند؟
بعد از چند دهه فعالیت با چارچوب‌های نظری و توسعه‌دانشی مهمی که در حوزه معدنی کشور اتفاق افتاده است، امروز ما دانشگاه‌ها و دانشکده‌هاها معتبر، مراکز تحقیقاتی و مطالعاتی معتبر زیادی در این زمینه داریم. تجارت عملی فراوان داریم، روش‌های کار و عمل بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته را می‌توانیم مشاهده کنیم. سعی و خطا روش شایسته‌ای برای اداره امور مهم کشور نیست. آن هم بخش معدن که با تولید ناخالص داخلی کشور در ارتباط است. یک صنعت مادر است و با اشتغال کشور و مسائلی از این دست مواجه است. البته بگویم نتیجه تصمیمات دفعی و ناپخته به حوزه معدن منحصر نمی‌شود. اگر اقتصاد و صنعت کشور را پیش‌بینی‌ناپذیر کردیم، ریسک ورود به اقتصاد و صنعت را بالا برده‌ایم. این نگرانی در همه رشته فعالیت‌ها اتفاق می‌افتد و طبیعتاً روی نرخ رشد سرمایه‌گذاری، بهره‌وری، مشارکت بخش خصوصی و بازارهایی که لازم است در آنها نفوذ کنیم و سهمی بگیریم، همچنین شرکای تجاری ما و مسائلی از این دست آثار سوء و منفی می‌گذارد. بنابراین اساساً به نظر من سعی و خطا باطل است. برای کشوری که به لحاظ دانشی، تجربی و بینشی یک کشور توسعه‌یافته است، این روش پسندیده نیست. از طرف دیگر چرا سرسرا را از سر گشاد می‌نوازیم. ما اول دو ماه صادرات را ممنوع می‌کنیم که بعد بگویم حالا می‌خواهیم چه کار کنیم. خب اول دو ماه فکر کنید. دو ماه مشارکت کرده و نظرات ذی‌نفعان این صنعت خصوصاً انجمن‌های تخصصی، معدن‌داران و معدن‌کاران را جمع‌آوری کنید، فرصت‌ها، تهدیدها و نقاط قوت و ضعف برای کشور و ذی‌نفعان را بررسی کنید و نهایتاً یک پلان جامع برای همه اینها به صورت سیستماتیک اعمال کنید. اتفاقاً بعد از تصمیم‌سازی باید دو تا سه ماه فرصت دهید که ذی‌نفعان خودشان را با

اقتصاد

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در گفت‌وگو با «شرق» درباره عوارض ۲۵درصدی صادرات مواد معدنی مطرح کرد

خارج‌شدن معادن کوچک از گردونه تولید



مهدي كربی، عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس

این شرایط و تصمیماتی که در آینده می‌خواهید بگیرید، سازگار کنند. تا اولا بتوانند پیش‌بینی کنند که شما چه تصمیمی می‌خواهید بگیرید دوما خودشان را آماده کنند. اینکه دفعتاً به فعالان اقتصادی چیزی بگویم و آنها بخواهند خودشان را سازگار کنند؛ آیا بتوانند سازگار شوند یا نه و چه تبعاتی ممکن است داشته باشد، مباحث قابل تأملی است. ممکن است تبعات تصمیم دولت این باشد که بخشی از معادن از گردونه تولید خارج شوند. زنان دهی داشته باشند. به نظر من هر تصمیمی که به صورت پخته و جامع‌الاطراف گرفته شد، باید زمانی فرصت دهند تا کنشگران خود را با آن آماده و سازگار کنند.

✎ وزارت صنعت اعلام کرده چون ارزش پول ملی افت کرده است، صادرات به‌صرفه شده و تأمین ماده اولیه به‌ویژه در صنعت فولاد دچار مشکل شده است. به نظر شما این مسئله صحت دارد؟

ما یک زنجیره ارزش در صنعت فولاد کشور داریم. از معدن شروع می‌شود تا زنجیره‌ها و حلقه‌های نهایی که صنعت فولاد کشور را شامل می‌شود. در هرکدام از اینها یک ظرفیت عملی واقعی داریم و یک ظرفیتی که توان جذب بازار دارد. ما نهایتاً آنچه تولید می‌کنیم باید بتواند در وهله اول مجموع نیاز بازار داخل را تأمین کند و مازادش را صادر کنیم. مجموعه تولید فولاد ما شامل نیاز داخل به‌علاوه ظرفیت صادراتی ما می‌شود ما حتماً باید برای تأمین نیاز تولید صنعت فولاد کشور ماده خام را تأمین کنیم و حتماً این مقدار باید تخصیص یابد؛ اما اگر در معادن ظرفیتی مازاد بر نیاز صنعت فولاد کشور داریم، حتماً به این بخش هم باید فکر کنیم. وزارت صنعت باید بگوید آیا این زنجیره از صنعت فولاد و بازار همگن است یا در بخش‌هایی مازاد تولید و مازاد ظرفیت داریم. برای بخش‌هایی که مازاد تولید و ظرفیت داریم، حتماً باید تدبیر کنند. ممکن است در بخش‌های دیگر مازاد تولید داشته باشیم. شما حتماً

باید برای مازاد تولید تدبیری کنید، رهاکردنش خدمتی به اقتصاد و صنعت کشور و ظرفیت‌هایی که تاکنون ایجاد شده است، نیست.

✎ معتقدید تعرفه ۲۵ درصدی برای همه زنجیره فولاد کشور نباید اعمال شود و باید شناور باشد؟ برای بخش‌های که ظرفیت مازاد وجود دارد، باید تعرفه در نظر نگیرند؟

از نظر من اولا باید برخورد پیوسته و جامعی با این قضیه شود. اینکه ما یک حلقه زنجیره را در نظر بگیریم و بخشی صرفاً با همان حلقه برخورد کنیم، حتماً اشکال دارد. ما برای تأمین نیاز صنایع فولاد کشور لازم است سنگ آهن را در داخل کشور نگه داریم و نیاز این صنعت را تأمین کنیم؛ اما حرف من این است که مازاد این نیاز اگر وجود داشت، آن وقت چه کنیم؟ بگویم معادن را تعطیل کنند. آیا کسی این تصمیم را هزینه و فایده کرده است. این هزینه و فایده و محاسبه باید توسط وزارت صنعت به‌صورت شفاف انجام شود و نتیجه را اعلام کند که آیا به مصلحت است که در بازارهایی که به دست آورده‌ایم، حضور باییم. این هزینه و فایده‌ای است که به نظر من به‌صورت شفاف باید وزارت صنعت اعلام کند و این گزینه‌ها را با اخذ نظر صاحب‌نظران این حوزه بررسی کند و گزینه‌های به‌صرفه و صلاح کشور را نهایی کند. اینکه همین‌طور بدون محاسبه و غیرشفاف و در هاله‌ای از ابهام یک‌شبه تصمیم بگیریم و توجهی به آثار تصمیم خود بر ذی‌نفعان متعدد و متنوع این حوزه نکنیم، حتماً به‌لحاظ مدیریتی مشکل دارد و متضمن منافع کشور نیست. عمدتاً روی روش برخورد با موضوع نقد جدی دارم. معتقدم با روش‌هایی که اعلام کردم منافع این تصمیم‌ها بیشتر می‌شود و مزایا و معایب آن شناسایی می‌شود.

✎ اشاره کردید که معادن کوچک با این تصمیم آسیب می‌بینند. بیشترین تهدید متوجه معادن کوچک است یا اینکه کل صادرات بخش معدن دچار اشکال می‌شود؟ پیش‌بینی‌ای درباره کاهش میزان صادرات در بخش معدن دارید؟

من تصور می‌کنم عمده عوارض این تصمیم متوجه معادن کوچک باشد. فکر می‌کنم به‌لحاظ جمعی شاید در حدود تا ۲۰ درصد تولید معدنی کشور متوجه معادن کوچک باشد، ولی نزدیک شاید ۶۰ تا ۷۰ درصد صادرات کشور هم اتفاقاً در حوزه معادن کوچک است. به هر ترتیب فعالان این بخش توانسته‌اند طی سال‌ها بخشی از بازارهای منطقه‌ای و جهانی را بگیرند و در آن حضور یابند. من هم معتقدم که حتماً باید نیاز صنعت فولاد کشور اولویت ما باشد و تأمین کند؛ ولی گمان من این است که ظرفیت‌های مازادی داریم که خوابانند آن ظرفیت‌های مازاد اگر محاسبات دقیقی درباره این مسئله توسط وزارت صمت انجام نشده باشد و این نتایج اعلام نشود تا به رای، نقد و نظر صاحب‌نظران و تحلیلگران گذاشته شود، ممکن است موجب خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای کشور شود.

ضرورت توسعه صنعت آلومینیوم در ایران

● شه‌ریار طاهرپور، کارشناس آلومینیوم در گفت‌وگویی عنوان کرد: مس و آهن به دلیل داشتن منابع غنی از دیرپاز به‌عنوان صنایع پیشرو مطرح بوده‌اند اما درباره آلومینیوم شک و شبهه وجود دارد. در نگاه کوتاهی به وضعیت تولید و مصرف آلومینیوم در جهان و مصارف این فلز-استراتژیک می‌توان نکته‌های مهمی را در نظر گرفت-او در این زمینه اظهار کرد: فدراسیون مصرف‌کنندگان آلومینیوم در اروپا در مقاله‌ای از آلومینیوم به‌عنوان فولاد قرن ۲۱ نام برده و در آن مقاله از بالا رفتن مصرف آلومینیوم نسبت به فولاد صحبت کرده است. آلومینیوم پس از فولاد، بیشترین تولید و مصرف را در جهان دارد و میزان مصرف آن به تنهایی از مجموع فلزات غیرآهنی بیشتر است. صنعت آلومینیوم در جهان به‌طور مستقیم برای حدود ۱.۵میلیون نفر و به‌طور غیرمستقیم برای شش میلیون نفر شغل ایجاد کرده است. شهریار طاهرپور افزود: فلز آلومینیوم، نقشی اساسی و برجسته در زمینه‌های مختلف توسعه دارد؛ ازاین‌رو توجه ویژه به این عنصر و فراگیری اساسی کاربرد آن در عرصه‌های گوناگون می‌تواند رشد و نمو یک جامعه اقتصادی پربار را تعالی بخشد. ویژگی‌های مثبت این فلز اعم از استحکام، مقاومت، زیبایی، سبکی و از همه مهم‌تر پایداری محیطی، وجه تمایز اصلی این فلز با سایرین است. پایداری محیطی بسیار مناسب آلومینیوم در حدی است که می‌تواند تنها با پنج درصد انرژی اولیه خود، بازیافت شود.طاهرپور ادامه داد: آلومینیوم فلزی است که صنایع خودروسازی با استفاده از آن می‌توانند وزن خودروی تولید شده خود را کاهش دهند. به ازای هر ۱۰۰ کیلوگرم کاهش وزن در خودرو حدود ۸ گرم بر کیلومتر از میزان انتشار دی‌سکسیدکربن کاهش می‌یابد. از آنجا که در ایران تنها در سال ۱۳۹۷ حدود یک‌میلیون خودرو تولید شده، اگر متوسط پیمایش این خودروها را ۲۰ هزار کیلومتر در نظر بگیریم، کل پیمایش این خودروها در سال گذشته حدود ۲۰ میلیارد کیلومتر بوده، درحالی‌که اگر تنها وزن ۵۰ درصد این خودروها با آلومینیوم ۱۰۰ کیلوگرم کاهش یافته بود، سال گذشته ۸۰ هزار تن گاز Co2 کمتری وارد جو می‌شد. درحال‌حاضر آلومینیوم اولیه در شرکت‌های آلومینیوم ایران (ایرالکو) در اراک و آلومینیوم المهدی، هرمزآل در بندرعباس و جاجرم با مجموع ظرفیت اسمی نصب شده ۲۶۸ هزار تن در سال تولید می‌شود. ایرالکو ۱۷۵هزار تن، المهدی ۱۱۰هزار تن، هرمزآل ۱۲۳هزار تن، جاجرم ۴۰ هزار تن و با راه‌اندازی فاز نخست آلومینیوم جنوب با ظرفیت ۳۰۰ هزار تن در سال با فناوری ۴۳۰ کیلوآمپر، میزان تولید آلومینیوم کشور به ۷۶۸ هزار تن رسیده و با راه‌اندازی فاز دوم آلومینیوم جنوب با ظرفیت ۶۰۰ هزار تن ظرفیت تولید آلومینیوم در ایران به بیش از ۱ میلیون تن در سال خواهد رسید.

۹ کشور برای پیوستن به اینستکس اعلام آمادگی کردند

● به گزارش ایلنا قائم‌مقام سفیر آلمان در ایران اظهار کرد: درحال‌حاضر مهم‌ترین موضوع اقتصادی بین این دو کشور این صندوق است که به طور مشترک از سوی انگلیس، فرانسه و آلمان ایجاد شده و هشت کشور دیگر به همراه نروژ نیز برای پیوستن به آن ابراز تمایل کردند؛ اما این را نباید فراموش کرد که آمریکایی‌ها قدرت و نفوذ زیادی دارند و روند انجام این پروژه را دچار مشکل خواهند کرد.اینستکس می‌تواند یک پروژه گذار برای رسیدن به اعداد تجاری قبل از تحریم باشد. این یکی از مهم‌ترین اهداف آقای بوک است و به‌زودی ایشان برای پیگیری این امور به ایران سفر خواهند کرد. اینستکس بخشی از فعالیت‌های ما برای نجات برجام است.قائم‌مقام سفیر آلمان درباره مواضع سیاسی کشور متبوع خود گفت: در بحث سیاسی ما منتقد برخی از رویکردهای ایران هستیم؛ اما در حفظ برجام در کشور قفاهم دارند.او ادامه داد: آلمان از خروج آمریکا از برجام خشنود نیست و به طور رسمی به آمریکا اعلام کردیم که سیاست آنها در قبال ایران غلط است. اروپا سعی می‌کند تنش‌ها را به حداقل برساند.قائم‌مقام سفیر آلمان افزود: تلاش از فعالیت‌های آقای مکرون حمایت می‌کند اما این می‌کند که مباحث ایشان به نتیجه برسد؛ براساس این خانم مرکل، صدراعظم آلمان، در آمریکا با آقای روحانی دیدار و گفت‌وگو کرد.او افزود: تنها راه حفظ برجام بازگشت به میز مذاکره است و هر دو طرف باید تعهدات برجامی خود را انجام دهند. خروج گام‌به‌گام از تعهدات برجامی را درست نمی‌دانیم.

توضیح درباره یک سمت

● روز گذشته روزنامه «شرق» گفت‌وگویی با «مژگان خالو»، با عنوان سخنگوی ستاد بودجه انجام داد که با تیتیر «سریپیچی از قاتون» منتشر شد.سازمان برنامه در توضیح سمت ایشان اشاره کردند که با توجه به اینکه سمت سخنگوی ستاد بودجه کوتاه‌مدت و یک‌ساله است، از سمت اصلی ایشان با عنوان «رئیس امور پایش تعهدات دولت و تجهیز منابع سازمان برنامه و بودجه» باید استفاده می‌شد.